

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



iran.sabz88@yahoo.com

موسسین: خانه فیلم مخملیاف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهاردوست

نگاه سبز

روزنامه سبز

زنجیره سبز جهانی

ساکت نمی توان نشست

بهمن فرمان آرا

با سلام به دوستان

من یک ایرانیم. قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران را قبول دارم

ولی در هیچ جای این قانون از من

خواسته نشده کورکورانه دروغ را

بپذیرم. اگر تاکنون تن به امضاهای

دسته جمعی نداده ام به خاطر این بوده

که می خواهم فقط خودم مسئول حرفم

باشم و این یادداشت کوتاه نیز به همین

دلیل است.

ضیافت سکوتی که ما به آن دعوت

شده ایم حاصلی جز خنق نخواهد

داشت و ما را تا ابد در مقابل ندای

خونین شرمسار خواهد کرد. با اعتقاد

به این گفته می سزار که «ترسو هزار

بار می میرد ولی شجاع یکبار»

به خاطر آزادی و عدالت اجتماعی

برای همه ایرانیان این گام را

برمی دارم.

مهم نیست که من دیگر فیلم نسازم.

مهم این است که به هر سازی

نرقصم. چون در ۶۸ سالگی دیگر

برازنده نیست. نه قهرمانم و نه

می خواهم قهرمان باشم و نمی دانم

جسم فرسوده ام در بند چقدر تاب

می آورد. قبل از اینکه هر چه جلویم

بگذارند امضاء کنم. در خاتمه با دو

بیت از غزل شاعر گرانمایه سیمین

بهبهانی که در سال ۱۳۵۳ سروده

شماره سوم هشتم تیرماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

هیئت ویژه رسیدگی به پرونده زندانیان کودتا متشکل از

عوامل قتل های زنجیره ای و کشتار زندانیان

سیاسی

و

سعید مرتضوی

سخنگوی قوه قضائیه از صدور دستور آیت الله هاشمی شاهرودی به منظور تشکیل هیات ویژه تعیین

تکلیف بازداشت شدگان حوادث اخیر خبر داد.

این گروه از سه نفر تشکیل می شود. نفر اول حجت الاسلام قربانعلی دری نجف آبادی است در زمانی که

وزیر اطلاعات بود قتل های زنجیره ای رخداد و گفته می شود فتوای یکی از قتل ها را هم خود او داده

است.

دو نفر دیگر یعنی ابراهیم رئیسی معاون اول قوه قضائیه و مصطفی پور محمدی رئیس سازمان بازرسی

کل کشور هستند که هر دوازده قضاات دادگاه مرگ در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ بوده اند.

چهارمین نفری که به این گروه خواهد پیوست قاضی مرتضوی است.

عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر به بی بی سی فارسی گفت بر اساس

گزارش هایی که در اختیار این فدراسیون قرار گرفته نزدیک به دو هزار نفر در این نافرمانی ها دستگیر

شده اند.

علیرضا جمشیدی، سخنگوی قوه قضائیه، در مورد هیئت ویژه تعیین تکلیف بازداشت شدگان حوادث اخیر

گفت: " این سه نفر تعیین شده اند تا با هماهنگی رییس کل دادگستری و دادستان عمومی انقلاب تهران

برای سرعت به رسیدگی به پرونده این بازداشت شدگان فعالیت کنند. قرار است این هیئت به طور مستمر

گزارشی از چگونگی جریان امور را به رئیس قوه قضائیه ارائه کند."

ما پیروز می شویم

زنجیره سبز جهان را به هم پیوند

می زند. ایرانیان آزادخواه بازو

در بازوی زنان و مردان آزاده جهان

فریاد می زنند:

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم.

نامه پسر آیت الله بهشتی به

پدرش

پدر، دیدی چه کردند؟

چرا هر بار که هتم تیر می رسد سفره

دل گرفته ام را نزد تو می گسترم؟ شاید

چون سایه تو را همچنان بر سرم

گسترده می بینم. شاید هم که چون نمی

گذارند صدایم شنیده شود، بدنبال چاهی

می گردم تا آهی برکنم. شاید هم که

برباد رفتن میراث توست که اینچنین

آتشم می زند و داغ دیرینه را تازه

می کند.

پدر! دیدی که چه روزهایی را شاهد

بودیم که امکان بازشناسی تاریخ صدر

اسلام را بر ایمان ممکن ساخت؟ دیدی

که سکوت که شکسته شد، چگونه دلها

مملو از امید شد؟ دیدی که عطر

راستی و صداقت که فضا را پر کرد،

پایه های کاخ های دروغ و ریا به لرزه

افتاد؟ دیدی خمودی و خموشی جای

خود را به سرزندگی و نشاط داد؟

دیدید که دل هایی که سال ها با انگشتان کلیشه سازان از هم دور نگه داشته شده بود، فاصله ها را شکستند و در کنار هم نشستند؟ دیدید که نسل سومی که با انقلاب، امام، جنگ، شهادت و دینمندی قهر کرده بود، در داریبهایش به تأملی دوباره نشست و مطالباتش را در ادبیات صدر انقلاب جستجو کرد؟ دیدید که زن و مرد و پیر و جوان و روستایی و شهری، چشم امیدشان را به یار دیرینه تو دوختند و به رغم همه اما و اگرها و جوسازی ها، رایت اعتمادشان را بدست او سپردند؟ اما پدر دیدید که همان کسانی که پس از شهادت تو زیر لب زمزمه کردند که بهشتی عقبیت بخیر شد و تداوم حیات او به سلطه اسلام لبرالی می انجامید، چه کردند؟ به بهانه حراست از اسلامیت نظام، جمهوریت نظامی که تو در کنار امام و مرادت و به یاری بسیاری دیگر از همراهان دیروز و امروز معماری کرده بودی را به مذب سلابق و علائق و دآوری های شخصی بردند. خواست مردمی نجیب که با بالاترین درجات آگاهی، حق به سرقت برده خود را مطالبه می کردند را آشوب طلبی نامیدند، خونشان را بر قداره بندان خود مباح ساختند، و به نام دین، دینداران را بی دین نامیدند، مذبوحانه به دنبال سرانگشتان بیگانه گشتند و یافته و نایافته، سکوت تلخ، بلند و رسای حق خواهان را با شادکامی دشمنان قسم خورده انقلاب همانند کردند تا مجوزی برای مشروعیت بخشی به کودتاگران دست و پا کنند.

یاد روزهای سختی می افتم که در مقابل هجده تاجرانمردانه زبان های پلشت سکوت کردی و افتراها و دشنام ها را از دوستان دیروز و دشمنان آن روز و امروز صبورانه شنیدی و دم فروبستی. تو قربانی التقاط و تاجر شدی: التقاط تو را ترور شخصیت کرد، تاجر در مقابل رضایت‌مندانه سکوت کرد، و آنگاه بود که فاجعه هفتم تیر به آسانی اتفاق افتاد. این بار اما، روایتی معکوس در کار است: تاجر، اندیشه هایت را بر نمی تابد و تجلی سبز آن را تحمل نمی

عبدالکریم لاهیجی نائب رئیس فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر گفت براساس گزارش هایی که در اختیار این فدراسیون قرار گرفته نزدیک به دو هزار نفر در این ناآرامی ها دستگیر شده اند. درمیان دستگیر شدگان چهره های سرشناس سیاسی، اجتماعی و روزنامه نگاران دیده می شوند. محسن سازگارا به خبرنگار سبز گفت: "خبر تکان دهنده ای است و از حالامی توان حدس زد چه خواب شومی برای زندانیان دیده اند."

برای تائید سلامتی زندانی بیمار

همسر سعید جباریان زیر فشار شدید امنیتی

سعید عسگر همزمان با سعید جباریان دستگیر شد ه است

همسر سعید جباریان زیر فشار شدید امنیتی قرار دارد تا حقایق مربوط به زندانی بیمار را تکذیب کند. خبرگزاری فارس که ارگان اصلی اینترنتی کودتاگران است و پیشتر هم "اعترافات" دستگیر شدگان را منتشر کرده بود، از قول خانم دکتر وجیهه مرصوصی همسر سعید جباریان نوشت: "وضعیت جسمانی و روحی همسر مساعد و خوب است."

در این مصاحبه که هنوز معلوم نیست زیر فشار از خانم مرصوصی گرفته شده و یا از قول او انتشار یافته، آمده است: "در جریان ملاقات همسر هیچ نوع بدرفتاری مشاهده نکردم و رفتار بازجوها و نیز ماموران را بسیار خوب دیدم."

وی با اشاره به وضعیت جسمی همسرش به خاطر ترور سالهای گذشته گفت: همسر با توجه به این شرایط آسیب‌پذیر است.

مرصوصی هر گونه ادعای شکنجه و ضرب و شتم سعید جباریان را از اساس تکذیب کرد و گفت: من هیچ گونه آثار شکنجه در بدن همسر مشاهده نکردم؛ همه داروهایی که مصرف می‌کند برای او مهیاست و پرستاران هم به خوبی از او پرستاری می‌کنند.

بنا به گفته همسر جباریان، امکانات بهداشتی از جمله استحمام در محل بازداشت برای همسرش فراهم است و مسایل بهداشتی رعایت می شود از وضعیت تغذیه همسرش ایراز رضایت کرد. "

ظاهرا نویسنده این خبر جعلی اطلاع نداشته که ترور سعید جباریان توسط همکاران کودتا گردان فعلی انجام شده است. مجری ترور جباریان که سعید عسگر نام داشت و عضو بسیج بود، به این اتهام دستگیر و بعد از مدت کوتاهی آزاد شد.

در روزهای نخست کودتای ۲۲ خرداد خبر رسید که سعید عسگر هم دستگیر شده است. دیگری خبری از او شنیده نشد و به این شایعه دامن زد که او برای اتمام ماموریت خود به زندان برده شده است.

متن مصاحبه دکتر وجیهه مرصوصی با روزنامه الکتریکی "روز" بشرح زیر است:

شنبه ۶ تیر ۱۳۸۸

دکتر وجیهه مرصوصی در گفت و گوی اختصاصی با روز

است، حرفم را تمام می‌کنم.

وقتی که سیم حکم کند زر خدا شود

وقتی دروغ داور هر ماجرا شود

وقتی هوا، هوای تنفس، هوای زیست

سروپوش مرگ بر سر صدها صدا شود

ساکت نمی‌توان نشست.

به امید روزی که آزادی و عدالت در

این خاک پاک ایران برقرار شود و ما

بتوانیم با افتخار سرود «ای ایران»

را با صدای بلند بخوانیم و از ته دل

بدانیم که این مرز واقعا پرگهر است.

برای شما

همیشه

و سنگفرش های خیابان هنوز در

وحشت و بغض زجر آوری

برایشان بی صدا گریه میکنند.

به همه ی آنان !

((ندا ، خون ، خیابان))

علیرضا عسگری

و بر تمام چاهار راه های جهان

حک شده ای

و عکس های کوچک سه در چاهار

از عصر

تا انفجار فریاد پشت بام ها

در دست مادران می گردد :

— ورودی بزرگ زندان

— اوین —

" ببخشید

شما تازه آزاد شدید ؟

این عکس بچه ی منه

ندیدینش ؟ "

نه

این عکس ها

سه در چاهار

نبودند

تمام قد

دیده شده اند

آخرین بار

در خیابان

تمام قد

و چشم ها نشانه به روبرو

عبور کرده بودند

از امام حسین

و فردوسی

حرفی برای گفتن نداشت

کند، التقاط شادمانه برحق بودن خود را اثبات می کند، و این تویی که یکبار دیگر به قربانگاه فرستاده می شوی. بگذار که این بار سخنم را با شعری از شفیعی کنکلی به پایان برسانم: تو در نماز عشق چه خواندی که سالهاست بالای دار رفتی و این شحنة های پیر از مرده ات هنوز پرهیز می کنند.....

خاکستر تو را باد سحرگان هر جا که برد مردی ز خاک رویید

سید علیرضا حسینی بهشتی
هفتم تیرماه 1388

تشکر موسوی از ایرانیان خارج از کشور

برحسین موسوی پیامی برای ایرانیان خارج از کشور فرستاد و از حماسه حضور آنها سپاسگزارای کرد. در این پیام که تازمان انتشار " روزنامه سبز " در سایت های میرحسین موسوی منعکس شده است ، از جمله آمده " هموطنان عزیز ایرانیان شرافتمند دور از وطن حضور گسترده و پرشور شما هموطنان در انتخابات 22 خرداد امسال نمایانگر دل بستگی شما عزیزان به ایران عزیز و دغدغه های قابل تحسین شما نسبت به آینده کشورتان است و همانطور که در پیام انتخاباتی به شما عزیزان اعلام کردم ایران متعلق به همه ایرانیان است و همه آحاد ملت در داخل و خارج نسبت به آینده آن مسئول و در آن از حقوق یکسان برخوردارند.

بر خود فرض میدانم که از حماسه حضور شما در تعیین سرنوشت کشورتان قدردانی نمایم. استقبال گسترده شما عزیزان از این انتخابات و حضور سبز و بانشاطان در پای

سعید حجاریان در شرایط بسیار نگران کننده ایست نوشابه امیری



به دنبال پخش شایعه درگذشت سعید حجاریان در زندان با همسر وی تماس گرفتیم. وی ضمن رد این شایعه از ملاقات با حجاریان خبر داد، هر چند تاکید کرد که او در شرایط بسیار نگران کننده ای قرار دارد. خانم حجاریان که در صدایش اندوه سنگینی موج می زد، از ملاقات با همسرش در زندان اوین خبر داد و گفت: من امروز ایشان را دیدم

کجا بودند؟

بازداشتگاه اوین

چی شد که ملاقات دادند؟

نمی دانم چرا ملاقات دادند و علت موافقت شان با ملاقات چه بود؛ ولی هر چه بود وضعیتشان اصلا خوب نبود. به هر حال می دانید که ایشان از ترور ده سال پیش به شدت آسیب دیدند. در واقع زنده ماندن ایشان یک معجزه بود ولی بعد از آن بسیار ناتوانند و در واقع به لحاظ فیزیکی مثل یک کودک شیرخوار هستند. اصلا بازداشت و نگهداری ایشان، فشار زیادی بر وی وارد می آورد. فشار خون او همیشه پایین بود ولی امروز که فشارش را گرفتم بسیار بالا بود. برای همین به شدت نگران سلامتی او هستم. الان فشار سنگینی روی اوست. او الان فقط نگران خودش نیست، نگران وضعیت جامعه و انقلاب هم هست. در واقع آقای حجاریان زندگیش را در این راه گذاشته است.

توانستید صحبتی هم بکنید؟

نه؛ صحبت ها در حد سلام و احوالپرسی بود ولی صورتش مرتب از اشک خیس می شد. یعنی قیافه نشان می داد که به شدت از وضعیت پیش آمده متاثر و نگران است که خدای ناکرده اتفاقی برای ایران بیفتد.

ملاقات پشت شیشه بود؟

نه؛ حضوری بود.

تنها بودید؟

نه با برادرشان و پسرهم رفته بودیم.

مامورین هم بودند؟

له؛ بودند و دوربین گذاشته بودند. البته به نظر نمی رسید ضرب و جرحی شده باشند، ولی وضعیت شان اصلا خوب نبود. من نگران هستم که سکنه بکنند. یعنی اگر خدای ناکرده مشکلی برایشان پیش بیاید اینها می خواهند چطور جوابگو باشند.

ایشان وقتی بیرون بودند خودشان می توانستند به تنهایی از عهده کارهای روزمره شان بر بیایند؟

او با واکر راه می رود و با کوچکترین حرکتی زمین می خورد. این اتفاق بارها در خانه افتاده بود ولی حالا اگر این اتفاق در آنجا بیفتد بسیار سنگین تمام خواهد شد؛ فرض کنید سرش به جایی بخورد؛ آقایان چطور می خواهند جوابگو باشند. یا به هر حال با توجه به اینکه فشارش بالا رفته و غذای زندان هم غذای مناسبی نیست، اگر چربی خورش بالا برود بسیار خطرناک است. برایش اسپیرین گذاشته اند ولی اسپیرین می تواند باعث خونریزی معده شود، و اگر این اتفاق بیفتد معلوم نیست چه عواقبی به دنبال داشته باشد. حالا اگر بیرون باشند این چیزها قابل کنترل است ولی در آنجا نمی دانم چه خواهد شد.

داروی مخصوصی می خورند؟

بله، او داروهای زیادی می خورد از جمله داروی آرامبخش. روزانه ده تا قرص می خورند که حرکت های اضافه را کنترل کند. هر کدام از این قرص ها می تواند مصرف کننده را تا دو روز بخواباند.

الان این داروها را دارند؟

گذر کرده بودند
درست از قلب دانشگاه
اهدای خون ،
و رسیدند
به انقلاب
که سیاه شده ،
نفس میکشد زیر دوده
با تنگی نفس
عبور کرده بودند
تمام قد
و به رگ های خیابان
سرازیر

و کارگر شمالی
دست هایش قفل
در دست های کارگر جنوبی
و انقلاب
بر سر دست
بلند
بلند ...

بلند می شود
آخ ندا!!!
قلب تو اکنون
چند عکس تمام قد را
هل میدهد به سمت آزادی؟
و بر چاهار راه های
تمام خیابان های جهان

حک شده
تصویر بزرگی از چشمانت
و خون می باشد
از گلوی تصویر
و در
رگ های خیابان
تزییق

و ریشه گرفته اند
تمام تابلو ها
بر تمام چاهار راه های جهان
ندا ! آآخ !
ندا !
ندا !

قلب تو اکنون
چندین تصویر تمام قد را
هل میدهد ؟
و خون پاشیده در رگ های خیابان
ها
کارگر شمالی
کارگر جنوبی
و دوده

صندوق های ر آى آنچنان وسيع بود كه حتى منابع دولتى و برگزار كنندگان انتخابات را وادار نمود كه به افزايش سيصد درصدى مشاركت هموطنان خارج از كشور در انتخابات دهمين دوره رياست جمهورى اعتراف نمايند. اعتماد وسيع شما به اين خادم كوچك ملت و رآى قاطعتان به اينجانب در اكثرىت حوزه هاى رآى گيرى خارج از كشور مسئوليت سنگينى را بر دوش من گذاشته است. مايلم به همه شما اطمينان دهم به عهده كى كه با شما عزيزان و تمامى آحاد ملت بزرگ و حماسه ساز كشورمان بسته بودم پاييند بوده و با استفاده از تمامى راهكارهاى قانونى حقوق حقه شما را، كه در صندوق هاى رآى متجلى شده بود پيگيرى خواهم كرد.

متأسفانه چنانچه شما نيز از طريق رسانه هاى بين المللى مشاهده ميكنيد، بر خلاف نص صريح قانون اساسى و آزادى هاى مصرح در جمهورى اسلامى كليده امكانات ارتباطات من با ملت و از جمله شما عزيزان قطع شده و اعتراضات مسالمت آميز مردم سركوب مى شود. رسانه ملي كه از بيت المال كشور اداره مى شود با سپاه نمائى مشمنز كننده اى به قلب حقايق پرداخته و راه پيمابى مسالمت آميز قريب به سه ميليون نفر در تهران را به اغتشاشگران نسبت ميدهد و روزنامه هاى كه از منابع دولتى اداره مى شود به بوق و كرناى غاصبان رآى مردم تبديل شده اند.

اينجانب ضمن تشكر مجدد از اعتراضات مسالمت آميز شما هموطنان خارج از كشور كه انعكاس وسيعى در جهان داشت از شما ميخواهم كه با استفاده از كليده راهكارهاى قانونى و

بله برايشان برديم.

از كسانى كه آنجا بودند نپرسيديد بردن كسى مثل ايشان براى چيست؟

آنها كاره اى نبودند؛ مامورانى بودند كه فقط آنجا بودند؛ بنده خداها آن هم مثل بقيه مردم.

با مسئولين تماسى گرفته ايد؟ مثلاً با آقاى مرتضوى كه ظاهراً اداره اين امور به ايشان محول شده؟

بله؛ آقاى مرتضوى مى گويد ايشان در حزب فعال بوده. حزب اين حزب كه غير قانونى نبوده. قانونى فعاليت مى كرده. همه چيز شفاف بوده. ايشان هم در سال دو سه تا مقاله بيشتر نمى نوشتند كه اين مقاله هم در روزنامه هاى چاپ مى شده كه مجاز بوده. كار خاصى انجام نداده.

الان مهم ترين نگرانى شما در مورد آقاى حجارىان چيست؟

من بيشتر نگران سلامتى ايشان هستم. يعنى از يك طرف مظلوميت ايشان خيلى من را متاثر مى كند. يعنى اينكه چنين موجودى را ببرند باز جويى كنند و تحت فشار قرار دهند براى من خيلى خيلى رقت آوراست. نمى توانم تحمل كنم. من دلم نمى خواهد چهره كشورم را چيزى شبیه اسراييل بينم كه يكى از رهبران فلسطين را با وضعيت جسمى مشابه در زندان نگاه داشتند و وقتى هم بيرون آمد دوباره ترورش كردند. كشور من از اين نظر كشور خوشنامى بود؛ من دلم نمى خواهد اين چيزها را ببينم. يعنى اصلاً اين چيزها براى من باور كردنى نيست؛ براى اين انقلاب همه ما زحمت كشيديم؛ همه مردم زحمت كشيدند؛ خود من يكى از اين مردم. زندان رفتم. شكنجه شدم و زجر كشيديم تا اين سيستم آمد. سال هاى سال احساس خوشبختى مى كردم. دلم نمى خواهد اين چهره براى من مغشوش بشود.

آقاى حجارىان مى دانستند بيرون چه خير است؟ از درگيرى ها و كشتارها خبر داشتند؟

صدائى الله اكبرها را مى شنوند؛ ولى در جريان چيزهاى ديگر فكر نمى كنم باشند. گفتند يك قرآن و يك مفاتيح دارند؛ فكر نمى كنم در جريان چيز ديگرى باشند. فقط از ما خواستند برايشان حافظ ببريم.

با شناختى كه از آقاى حجارىان داريد فكر مى كنيد اگر مى فهميدند كه بچه هاى مردم اينطور در خيابان ها كشته مى شوند چه حالى مى شدند؟

من البته چيزى نگفتم تا حالش بدتر نشود ولى فكر مى كنم گريه هاى كه مى كرد به خاطر همين چيزها بود. ايشان متاثرند نظامى كه در ايجاد، تقويت و بقاء نقش داشتند، و مى خواستند زوايايى را كه در آن دچار مشكل بود اصلاح كنند، حالا دچار اين وضع شده. اين برايش خيلى دردناك است.

آقاى حجارىان پيش از اين ماجراها، به اين انتخابات چه اميدى داشتند؟

ببينيد اين اتفاقات خيلى غيرمنتظره بود. او بيشتر منزل بود. دوستانش كه سرگرم انتخابات بودند و او هم كه نمى توانست اين طرف و آن طرف برود. وقتى من از سركار به خانه بر مى گشتم مى گفت چه خبر؟ مى گفتم من كه خير خاصى ندارم؛ روزنامه ها را بخوان. مى گفتم: چه مى شود؟ جواب مى دادند: نگران نباش. درست مى شود. حالا اينطور شد. من الان تنم از هر طرف زخم خورده. يكى وضعيت شوهرم؛ يكى وضعيت جامعه. يكى وضعيت جوان ها را مى بينم. واقعا دلم مى خواهد ببينم كه اين نظام به صراط مستقيم برگردد.

چطورى ممكن است؟

اگر عقل ها جمع بشود، عملى است. بارها از اين اتفاقات افتاده ولى با تدبير جمعى حل شده.

ولى الان خون بچه ها اين وسط است

آن بچه ها همگى آرزى اصلاح امور را داشتند و اگر اين اصلاح اتفاق بيفتد خون آنها پايامال نخواهد شد.

سبز بر اساس اطلاعات رسیده از تهران منتشر می کند

اعضای ستاد کودتای ۲۲ خرداد

اخبار و اطلاعات متعددى كه از ايران مى رسد و مورد تائيد آشنايان بامسائل كشور همه هست، نشان مى دهد كه كودتای ۲۲ تير راستادى هدايت كرده است.

اين ستاد كه متشكل از افراد سياسى، نظامى، امنيتى و رسانه اى است و هم اكنون هم به فعاليت براى تثبيت كودتا ادامه مى دهد، دقيقاً ياد آور ستاد كودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است؛ با اين تفاوت عمده كه مامورين امنيتى عالى رتبه روسى جاى آمريكائى ها را گرفته اند.

" ستاد مقابله با كودتای رنگى " در سال گذشته توسط روس ها در ايران شكل گرفته است. از طرف اين ستاد شاميل سلطائف در جلسات ستاد كودتا شركت مى كند.

از حجم انقلاب

پاك مى شود

و اين همه

تصوير تمام قد

به و سعت ميدان آزادى

خواهند رسيد

ندا ! ندا !

آى ! آى !

آى ! ندا !

ما شبیه تو ايم

يا تو شبیه

به اين همه تمام قد ؟

چگونه است كه يك قلب

مى تپد

در اين همه

كه دويده اند

در رگ هاى خيابان

و انقلاب را

وصل

به ميدان وسيع آزادى

ندا ! آااخ

ندااااا



اعضای ستاد کودتا به شرح زیرند:

صدای اعتراض خود را در تقرب
گسترده انتخابات به گوش مسئولین
کشور برسانید. "

میرحسین موسوی 1388/4/3



1 آیتالله مصباح یزدی / تئوریسین حکومت اسلامی



2 آیت الله خامنه ای / فرمانده کودتا



3 محمود احمدی نژاد / مدیر اجرایی



4 مجتبی خامنه ای (فرزند آیت الله خامنه ای) / هماهنگ کننده
بیت رهبری



5 سرلشکر حسن فیروز آبادی (فرمانده ستاد مشترک نیروهای
مسلح) / هماهنگ کننده نیروهای مسلح



6 آیت الله یزدی (عضو فقهای شورای نگهبان) / هماهنگ کننده
شورای نگهبان



7 شامیل سلطائف (رئیس مرکز دیدگاه های راهبردی خاورمیانه
در روسیه) / رئیس تیم کارشناسان روسی



8 سردار قاسم سلیمانی (فرمانده سپاه قدس) / تنوریسین
نیروهای سرکوب



9 سردار حسین همدانی (جانشین فرمانده بسیج) / هماهنگ
کننده نیروهای بسیج

10 سردار غلامرضا سلیمانی (فرمانده سپاه صاحب الزمان) / هماهنگ کننده نیروهای سپاه و
بسیج



11 داوود احمدی نژاد (برادر محمود احمدی نژاد) هماهنگ
کننده بسیج



12 صادق محصولی (وزیر کشور) / عامل ستاد انتخابات و
وزارت کشور



13 مرتضی تمدن (استادار تهران) / هماهنگ کننده تقلب در
صندوق های رای گیری



14 علیرضا بیگی (استادار آذربایجان شرقی) / هماهنگ کننده
تقلب در صندوق های رای گیری استانهای غرب و شمالغرب



15 سید مرتضی بختیاری (استاندار اصفهان) / هماهنگ کننده
تقلب در صندوق های رای گیری استانیهای مرکزی



16 سید محمدرضا رضازاده (استاندار فارس) / هماهنگ کننده تقلب
در صندوق های رای گیری استانیهای جنوبی



17 محمدجواد محمدی زاده (استاندار خراسان رضوی) / هماهنگ
کننده تقلب در صندوق های رای گیری استانیهای شرقی و شمالشرقی



18 حمیدرضا مقدم فرد (مدیر عامل فارس نیوز) عامل رسانه ای



19 حسین شریعتمداری (مدیر عامل کیهان) / عامل رسانه ای



20 حسن شایانفر مسئول رسانه ای



21 محمد جعفر بهداد (مدیر عامل ایرنا) / عامل رسانه ای



22 غلامعلي حداد عادل (نماینده مجلس) / هماهنگ کننده مجلس



23 روح الله حسینیان (نماینده مجلس) / هماهنگ کننده مجلس

آیت الله موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در زمان آقای خمینی

رهبر حرف خودش را می زند

من از قانون سخن می گویم

در تبریز هم موقع انقلاب وقتی مردم بیرون آمدند، شاه، آموزگار و مجلس او گفتند که اینها از آن طرف مرز آمده اند و اغتشاشگرند. کدام اغتشاش؟ مردم می آیند حق خود را درخواست می کنند. آیا این اغتشاش است؟ راهپیمایی ساده ای که حتی شعار هم نمی دهند، اغتشاش است یا آنها که مردم را می زنند، اغتشاش است؟ رژیم شاه هم به خاطر اینکه همین حرف ها را می زد طاغوتی بود، اگر این حرف ها را نمی زد و حق مردم را می داد که طاغوت نبود. فرقی نمی کند هر کس حق مردم را بخورد، طاغوت است.

آیت الله موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در زمان آیت الله خمینی و نخست وزیر موسوی که اکنون دبیرکل مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم و دبیرکل خانه احزاب است و در انتخابات از موسوی حمایت کرده بود، در مصاحبه ای با "جوان" که نشریه ای وابسته به جناح کودتاست مصاحبه کرده و به سئوالات حکومتی و تحریک آمیز این نشریه پاسخ داد. این مصاحبه روز گذشته منتشر شد. - آقای موسوی تبریزی آیا افراد و گروه ها می توانند مطالبات خود را از طریق غیرقانونی پیگیری کنند؟ من اولاً باید بدانم منظور شما از خلاف قانون چیست، بعداً پاسخ می گویم. - آقای موسوی ادعایی دارند که آن را با برگزاری راهپیمایی و تجمع هواداران پیگیری می کنند که منجر به اغتشاش می شود آیا این موضوع را تأیید می کنید؟ هیچ کس اغتشاش را تأیید نمی کند آن وقت من تأیید کنم؟ کدام اغتشاش؟ مردم می آیند حق خود را درخواست می کنند آیا این اغتشاش است؟ راهپیمایی ساده ای که حتی شعار هم نمی دهند، اغتشاش است یا آنها که مردم را می زنند، اغتشاش است؟ - الان به هر حال رهبری، روز جمعه خواستار متوقف شدن تجمعات شدند؟ من کاری به آنها ندارم. از من فقط قانون را بپرسید، رهبر هر چه گفته خودش می داند، من قانون را می گویم. - پس شما بیانیه اخیر آقای موسوی را تأیید می کنید؟ بله تأیید می کنم، برای اینکه مردم باید حقتشان را بگیرند. این انقلاب هم از همین حرف ها درآمده، شاه هم به اینها می گفت اغتشاشگرند. من جریان ۲۹ بهمن تبریز را می دانم، جریان ۱۹ دی قم را نیز من ایجاد کردم!

وقتی در تبریز مردم بیرون آمدند، شاه، آموزگار و مجلس او گفتند که اینها از آن طرف مرز آمده اند اینها اغتشاشگرند. - شما خود يك مبارز انقلاب هستید، رژیم طاغوت را نمی توان با نظام اسلامی مقایسه کرد؟ قطعاً می شود، رژیم طاغوت مگر آدم نبود؟ رژیم شاه به خاطر اینکه همین حرف ها را می زد طاغوتی بود، اگر این حرف ها را نمی زد و حق مردم را می داد که طاغوت نبود. فرقی نمی کند هر کس حق مردم را بخورد، طاغوت است. - خب چرا از راه قانونی مطالبه خود را پیگیری نمی کنند؟ قانون همین است (!)، مردم می آیند تظاهرات می کنند و حق خود را می گیرند. شورای نگهبان بی طرف نیست، باید يك افراد بی طرفی را بگذارند تا موضوع را بررسی کنند. - بر فرض ادعای شما که

می گوید شورای نگهبان بی طرف نیست درست باشد. اما این شورا اعلام کرده که حاضر به بازشماری آرا در حضور نمایندگان نامزددهاست؟ همین مقداری که من صحبت کردم، اینها را در روزنامه می نویسید یا فقط با من بحث می کنید؟

بله می نویسم. من می گویم وقتی شورای نگهبان از چند ماه پیش بی طرفی خود را نقض کرده، آیا می تواند حکم باشد؟ امکان ندارد. آن وقت چه کسی حکم می شود، نماینده نامزدها یا شورای نگهبان. همین حرف ها را با حضور افراد بی طرف بررسی کنید و یکی از آنها هم شورای نگهبان باشد. وقتی شورای نگهبان برخلاف نص صریح قانون اعلام می کند که بازرسی کل کشور نمی تواند در رابطه با انتخابات نظارت کند، چه انتظاری است؟

آقای موسوی تیریزی در کدام قانون آمده است که بازرسی کل کشور می تواند ناظر انتخابات باشد؟ هم در قانون اساسی و هم در قانون بازرسی کل کشور که ما خودمان آن را تصویب کردیم. بازرسی کل کشور می تواند در تمام امور حتی در نهادها و وزارتخانه ها بازرسی کند که یکی از آن وزارتخانه ها، وزارت کشور است. وزارت کشور کارش اجرای انتخابات است. بازرسی می خواهد بر اجرای انتخابات نظارت کند که چطور انجام می شود و همیشه هم بوده است. اما شورای نگهبان برخلاف حق و قانون می گوید بازرسی کل کشور نمی تواند نظارت کند و وزارت کشور هم می گوید که ما اطلاعات به بازرسی نمی دهیم. مگر سفارت انگلیس است که اطلاعات نمی دهند. - سازمان بازرسی در تخلفات اداری وزارتخانه می تواند دخالت کند اما ما در قانون انتخابات جایگاهی برای نظارت بازرسی کل کشور نداریم؟ انتخابات و اجرا کردن، کار وزارت کشور است. بازرسی می خواهد ببیند، تخلف دارد یا خیر؟ من حاضریم با تمام اعضای شورای نگهبان مناظره علمی و حقوقی کنم و به آنها بگویم که سازمان بازرسی می تواند نظارت کند. - حاج آقا ما قانون داریم، در قانون انتخابات چیزی به نام بازرسی کل کشور وجود ندارد. قانون همین است (!) قانون انتخابات می گوید، نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. آنها هم می گویند بازرسی در همه جا می تواند، نظارت کند. - پس جنابعالی اقدامات و بیانیه آقای میرحسین را تایید می کنید؟ بله تایید می کنم برای اینکه از حق دفاع می کند. از حقوق مردم دفاع می کند. اقدامات آقای موسوی تا حالا حقوقی و قانونی بوده وقتی می گوید به شورای نگهبان اطمینان ندارم خیلی از مردم این عقیده را دارند! - اما شورای نگهبان برای بازشماری آرا با حضور نمایندگان کاندیداها اعلام آمادگی کرده است؟ بله گفته اند از هر ده صندوق يك صندوق را بازشماری می کنیم. اکنون در حوزه شهری ۲۰۱ درصد رای دارد. محسن رضایی نیز در شبکه دو اعلام کرد در ۱۷۰ حوزه، حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ درصد رای داشته ایم. - به هر حال ما شهرهای مهمانپذیر نیز داریم. از این خلاف ها ما هم شنیده ایم؛ مهمانپذیر نداریم (!) چطور تا حالا در طول تاریخ انقلاب اینها مهمانپذیر نبودند (!) حالا شدند؟

روزنامه سبز

ضمیمه شماره ۳

لوموند دیپلماتیک- نوشته رامین معتمدنژاد

ترجمه شروین احمدی

خون ملت را برای این ثروت ها می ریزند

همچون سال ۲۰۰۵، انتخاباتی که بزودی در ایران برگزار می شود بطور وسیعی حول مسائل داخلی متمرکز شده است. چهار سال پیش، نامزدهای «اصلاح طلب» به دلیل عدم توانایی شان در ارائه راه حلی برای مشکلات اجتماعی شکست خوردند، در حالیکه آقای محمود احمدی نژاد وعده داده بود که «پول نفت را به سر سفره مردم خواهد آورد». امروز رئیس جمهور ایران بنوبه خود باید پاسخگوی بیلان اقتصادی اش باشد. در شرایطی که ایران در مرکز توجه بین المللی می باشد، انتخابات ماه جاری، باز هم حول مسائل داخلی جریان دارد.



بعد از پایان جنگ با عراق (۱۹۸۸)، رابطه جامعه و سیاستمداران ایران با پول دگرگونی عمیقی پیدا کرد، چرا که ارزش های اخلاقی و بویژه مذهبی که تا آن زمان مسلط بودند عقب نشینی چشم گیری کردند. جامعه شناس فرامرز رفیع پور، در کتابی که در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید مسئولیت این تحول را از سونی به دوش اقلیتی می گذارد که در «نمایش ثروتش» هیچ تردیدی به خود راه نداد. رفتاری که دولت آقای هاشمی رفسنجانی در آستانه دهه ۱۹۹۰ با دعوت از سرمایه داران ایرانی مقیم خارج (دیاسپورا)، برای بازگشت و شرکت در بازسازی کشور، آنرا تشویق و تقویت کرد.

از طرف دیگر، در آنسوی نردبان اجتماعی، اکثریتی از مردم در طول دهه بعد از انقلاب از بحرانی رنج می بردند که باعث سقوط قدرت خرید و پدیداری مشکلات مالی برایشان بود. تمایل به «نمایش» ثروت برای عده ای و تشدید فقر برای دیگران نویسنده را بر آن می دارند که این چنین نتیجه گیری کند: «ارزش های مادی و ارزش ثروت پیروز شدند».

علاقه به بهبود وضعیت زندگی، بواسطه رفاه های اقتصادی ای که از ژانویه ۱۹۹۰ توسط دولت هاشمی رفسنجانی به اجرا در آمدند، توانست خود را نمایان سازد. رفاه هایی که ارکان اساسی شان خصوصی سازی شرکت های دولتی و آزاد سازی تجارت خارجی بود.

از بیست سال پیش، هم تشریفات و هم گزارشات رسمی مرتباً «عدم شفافیت» این خصوصی سازی ها و «رفتارهای غیرقانونی» انجام پذیرفته در حول آنها را افشا کرده اند. بخشی از کسانی که از این «انتقال مالکیت» سود برده اند مدیران سابق همین شرکت های دولتی هستند که اکنون جزو نخبگان جدید اقتصادی به حساب می آیند. در همین راستا، یک گزارش مجلس نشان می دهد که در سال ۱۹۹۴، سهام بیش از پنجاه موسسه صنعتی به «بهائی اندک» و با زیرپا گذاشتن «شرایط قانونی» به مدیران آنها واگذار شد. پول این سهام با وام هائی پرداخت می شد که از سازمان سرمایه گذاری صنایع ملی، یعنی از صندوق دولت، گرفته می شد و این امر همچنان در دوران دولت های آقای خاتمی و آقای احمدی نژاد رواج داشت.

آزاد سازی تجارت خارجی منبع دیگر سودجویی بوده است. اینکار به رانت های نجومی منجر می شود که نه تنها اقتصاد رسمی را در بر می گیرد بلکه خیرش به شبکه های موازی قاچاق نیز می رسد. دقیقاً آنهایی از این پدیده سود می برند که چندین سال است از سوی مطبوعات «مافیای» خوانده می شوند. این صفت به گروه های اقتصادی ای اطلاق می شود که از طرفی ورود و

بخش محصولات خوراکی، محصولات صنعتی و مواد مخدر را کنترل می‌کنند و از سوی دیگر هرچه بیشتر به سوی قاچاق و صادرات بخشی از محصولات مشتقه نفتی روی می‌آورند که قاعدتا در انحصار شرکت ملی نفت ایران است (National Iranian Oil Company).

همانطور که فریبا عادلخواه، محقق، تأکید دارد، «بازاری‌های بزرگ» به همراه شخصیت‌های سیاسی و نهادهای رژیم، «بصورتی مستقیم و وسیع در این اقتصاد موازی شرکت دارند و هدفشان هم سود است و هم جذب سرمایه برای تأمین نیاز هایشان» (۲). این چنین است که نخبگان اقتصادی وابسته به بازار که در دهه ۱۹۸۰ بسیار با نفوذ بودند، زمین پس می‌بایست با فعالان جدید اقتصادی‌ای که بدنبال کسب ثروت هستند، کنار بیایند.

گروه‌های دیگر مسلط سرمایه‌داری نیز بیکار ننشسته‌اند. آنها هولدینگ‌های صنعتی، مالی و تجاری پدید آوردند که اغلب منابع مالی‌شان را خود تأمین می‌کنند، بدون آنکه از امتیازات مالی‌ای که نهادهای مختلف دولتی و ورا-دولتی در اختیارشان می‌گذارند، چشم‌پوشی کنند. آنها به سفارشات دولتی‌ای دسترسی دارند که بازارش تقریباً تضمین شده است و در صورت امکان سعی می‌کنند که از زیر تعهدات مالی‌شان نیز شانه‌خالی کنند.

از فعالیت خیریه تا سودجویی

در مورد ایران، نه می‌توان از یک سرمایه‌داری دولتی سخن راند (از آنرو که دولت خود را از بسیاری شاخه‌های اقتصادی کنار کشیده) و نه از یک سرمایه‌داری بازار (چرا که این گروه‌ها تمام موانع مالی، تجاری و مالیاتی را دور می‌زنند و از پیدایش هرگونه رقابت جدیدی جلوگیری می‌کنند). از همین رو بهتر است ماهیت اقتصاد ایران را سرمایه‌داری انحصارات نامید.

دو نمونه نشانگر این تحولات است. از یک سو **بنیادهای عظیمی** که بخشی از آنها در فرآیند انقلاب ۱۹۷۹ وجود آمدند و رسماً وظیفه‌شان فعالیت‌های خیریه بود؛ مثل بنیاد مستضعفان و جانبازان که در شبکه‌های تجاری (و از جمله خرید سلاح) در دوران جنگ بسیار فعال شد و بعدها فعالیت‌هایش را عمیقاً گسترش داد. این بنیاد در برگیرنده هزاران موسسه صنعتی، تجاری، کشاورزی، توریستی و با هوایماتی است. بعلاوه این بنیاد تأمین مالی نهادهای خویش را بعهده می‌گیرد که همگی در یک مجموعه سترگ زیر نظر موسسه مالی و اعتباری بنیاد قرار دارند که دارای قدرت عظیمی است. اضافه بر این با پذیرفتن اطلاق «بانک» به خویش، این موسسه خود را خارج از محدودیت‌های مقررات بانک مرکزی قرار می‌دهد. در عین حال این بنیاد از پرداخت مالیات‌هایش سرباز می‌زند. آقای خاتمی که در فاصله ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ قدرت اجرایی را در دست داشت بدون هیچ نتیجه‌ای سعی کرد پرداخت مالیات‌ها را به این بنیاد تحمیل کند.

دومین نمونه رشد قدرت‌های اقتصادی، مجموعه صنعتی **ایران خودرو** است که بزرگترین شرکت اتومبیل‌سازی خاورمیانه محسوب می‌شود و ۴۰ درصد از سهامش به دولت تعلق دارد. ایران خودرو به همراه مجموعه سایپا، انحصاری عینی بر بازار خودروا عمل می‌کنند: سایپا ۳۵ درصد بازار و ایران خودرو ۵۵ درصد آنرا در اختیار دارد. پس از آزاد شدن واردات در این بخش، ایران خودرو با شرکت‌های خارجی طرح همکاری مشترک ریخت. شرکت‌های خارجی‌ای که هرچه بیشتر به بازار رو به رشد ایران علاقمند می‌شدند: ۷۵۰ هزار اتومبیل در سال ۲۰۰۴، یک میلیون و صد هزار در سال ۲۰۰۶ و یک میلیون و دویست هزار در سال ۲۰۰۸ به فروش رفته است.

برای ایران خودرو این همکاری با قصد حفظ برتری‌اش در بازار و دستیابی به تکنولوژی‌های جدید انجام گرفت که برای بالا بردن کیفیت محصولات‌اش و اشاعه بین‌المللی آنها ضروری است. گروه پژو-سیتروئن (PSA) که از سال ۱۹۹۲ برای ساخت ۴۰۵ (که ۶۰ درصد آن در داخل تولید می‌شود) با ایران خودرو همکاری صنعتی داشت با امضای قراردادی در مارس ۲۰۰۱ گام جدیدی به جلو برداشت: توافقنامه برای مونتاژ اتومبیل‌های (۲۰۶ و ۳۰۷) (با نقش محدود داخل در تولید آنها).

شرکت رنو نیز برای مونتاژ لوگان (نام ایرانی آن تندر است) یک شرکت مشترک با دو غول صنایع اتومبیل‌سازی ایران وجود آورد. ۵۱ درصد سهام این شرکت که رنو پارس نام دارد متعلق به رنو است و ایران خودرو و سایپا ۴۹ درصد آنرا مشترکاً در اختیار دارند.

ایران خودرو در ضمن به دنبال ایفای نقشی فعال در بازار جهانی است: با امضا توافقنامه‌ای با شرکت الجزایری فامووال برای مونتاژ اتوبوس در آن کشور، و همچنین تأسیس واحد‌های تولید سمن (نوعی پژو ۴۰۵ محلی شده) در ونزولا، سنگال، سوریه و بلاروس. این اتومبیل هم اکنون نیز به الجزایر، مصر، عربستان سعودی، ترکیه، ارمنستان، بلغارستان، رومانی، اوکراین و روسیه صادر می‌شود.

ایران خودرو بعلاوه برای کم کردن محدودیت‌های مالی و نقدینگی‌اش، از نهادینه شدن بانک‌های خصوصی در ایران از سال ۲۰۰۰ به بعد، استفاده کرد تا بانک خود، بانک پارسیان را وجود آورد که ۳۰ درصد سهام آنرا در اختیار دارد. این بانک که بعدها به مهمترین بانک خصوصی ایران تبدیل شد، ۶۰ درصد سپرده‌ها و وام‌های این بخش را در اختیار دارد.

به محض به قدرت رسیدنش در ژوئن-ژوئیه ۲۰۰۵، رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد بانک‌های خصوصی را به دادن وام‌های «مشکوک و بحث‌برانگیز» متهم کرد. او سپس تهدید کرد که لیست کسانی را منتشر خواهد کرد که از این دست و دلبازی‌ها استفاده برده‌اند، و عده‌ای که البته تا امروز اجرا نشده است. بانک پارسیان در قلب این حملات قرار داشت. مهم‌ترین دلیل این امر پذیرفتن کاهش نرخ بهره از سوی این موسسه بود که طبیعتاً به پائین آمدن سودش منجر می‌شد. رودروئی در اکتبر ۲۰۰۶ به اوج خود رسید وقتی که دولت و بانک مرکزی تصمیم گرفتند رئیس بانک پارسیان را عزل کنند. تمام بانک‌های خصوصی بر علیه این تصمیم موضع گرفتند و در نهایت دیوان عدالت اداری آنرا لغو کرد و بدین ترتیب یک شکست غیرقابل انکار را به رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد تحمیل کرد.

سپس، رشد شیفته‌کننده بعضی از حوزه‌ها برای دلال‌بازی (و بویژه بازار مسکن) بسیاری از بانک‌های خصوصی و دولتی را بر آن داشت که از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های صنعتی روی برگردانند. آنها به دادن وام‌های مسکن سنگین پرداختند و هم چنین به صورتی وسیع در بخش ساختمان سرمایه‌گذاری کردند. بدین ترتیب آنها نیز در پدیداری بی‌سابقه حباب مسکنی نقش داشتند که در سال ۲۰۰۵ وجود آمد (۳) و به زایش آنچیزی انجامید که از سوی یک نشریه «بورژوازی مستغلات» نامیده شد (۴).

این حباب بالاخره در ماه مه-ژوئن ۲۰۰۸ تحت تأثیر تصمیم دولت که مجموعه سیستم بانکی را مجبور به تعلیق وام‌ها کرد (حتی وام‌هایی که تأیید شده و در حال پرداخت شدن بودند) ترکید. از آنزمان ما شاهد سقوط آزاد تقاضا برای مسکن، کاهش جدی قیمت‌ها و کم شدن لاف‌نمایی نسبتی ارزش دارایی‌های بانکهای دولتی و خصوصی در ارتباط با ساختمانهای هستیم که پیش از این خریداری کرده بودند. به اینها باید زیان‌های تشدید شده‌ای را افزود که بدلیل انباشت عدم پرداخت وام‌ها از سوی نهادهای دولتی و حتی خود دولت و هم چنین نهادهای خصوصی پدید آمده‌اند.

این بحران دو عارضه به همراه داشته است. در درجه اول آنکه بانک‌ها آنچنان که کاهش ۶۷ درصدی وام‌ها نمایانگر آنست دیگر نمی‌توانند به اقتصاد واقعی پول قرض دهند (۵). انقباضی که بنویه خود منجر به کاهش تقاضا برای مصرف، کم شدن تولید صنعتی، عدم سود آوری شرکت‌ها و پائین آمدن وسیع سطح توان تولیدی آنها شده است.

جامعه ای غرق شده در قرض

در درجه دوم به دلیل زیان ناشی از کم شدن ارزش دارائی هایشان، بانک ها نه می توانند و نه می خواهند که بدهی هایشان را به بانک مرکزی پرداخت نمایند: بین سپتامبر ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ طلب های بانک مرکزی (در نتیجه دولت) ۱۰۶ درصد افزایش داشته است (۶) اقتصاد تولیدی نیز به دلیل گسترش عدم پرداخت بدهی ها به شرکت ها و... در نهایت به حقوق بگیران بشدت صدمه خورده است.

خصوصی سازی ها که منجر به ثروتمند شدن بعضی ها شد در عوض بخش بزرگی از کارگران را بیکار کرد (۷) و آنها را در شرائط مالی هر چه سخت تری قرار داد. صاحبان صنایع خصوصی سازی شده به عمد ماشین آلات را می فروختند و سپس یا به بهانه ورشکستگی از پرداخت حقوق کارگران خودداری، و یارک و پوست کنده آنها را اخراج می کردند. تورم نیز مانند سالهای دهه ۱۹۹۰ مجدداً جهتی صعودی طی کرده و بطور رسمی در سال ۲۰۰۸، ۲۵ درصد اعلام شده است. براساس ارزیابی های دیگر لااقل ۵۰ درصد و بیش از ۶۰ درصد برای سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ بوده است.

از سپتامبر ۲۰۰۵ در مقابل سقوط روزافزون دستمزد واقعی محرومین و طبقه متوسط، دولت جهت گیری اقتصادی اش را بر روی توزیع مجدد وام ها برای حمایت از مصرف و تولید واحدهای صنعتی متمرکز کرده است. لیست اشکال مختلف وام های پیشنهادی و تضمین شده از سوی دولت کافی است تا اهمیت این سیاست را بنمایاند: این وام ها شامل بازنشستگان، ازدواج جوانان، دانشجویان، مسکن، کشاورزی و غیره می شود.

این درحالی است که در طول بیست سال گذشته، به دلیل سقوط درآمد واقعی، بخش بزرگی از جامعه در بدهی غرق شده است. نشان این امر رشد بی سابقه زندانیانی است که به دلیل عدم پرداخت بدهی شان در حبس اند: ۱۲ هزار نفر (۲۰ هزار نفر دیگر نیز در فاصله ده سال گذشته گذارشان به زندان افتاده) (۸). در تناقض با آرمان های برابری طلبانه انقلاب ۱۹۷۹، این تنبیهات تحمیل شده به فقیرترین اقشار جامعه همراه است با ناتوانی و یا عدم اراده مسئولان به مجبور کردن گروه های بزرگ اقتصادی به پرداخت بدهی هایشان.

۱- کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران نویسنده: فرامرز رفیع پور ناشر: انتشار، چاپ سوم ۱۳۷۷.

۲- در نقد کتاب آرننگ کشاورزیان Bazar and State in Iran. The Politics of the Tehran Market Place (2007), Sociétés politiques comparées, n° 2, Paris, février, 2008.

۳- نماد این امر افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت مسکن در طی دو سال گذشته در تهران است و یا این امر که در فاصله هجده ماه میزان معاملات ملکی به ۶۰۰ میلیارد دلار رسید. مجله گزارش شماره ۲۰۴، ژانویه ۲۰۰۹.

۴- کمال اطهاری، «بورژوازی مستغلات»، مجله چشم انداز ایران، شماره ۴۷ فوریه-ژانویه ۲۰۰۸.

۵- روزنامه سرمایه، ۲۳ آوریل ۲۰۰۹.

۶- روزنامه سرمایه، ۱۰ ژانویه ۲۰۰۹.

۷- بر اساس آمار رسمی در ۲۰۰۸ در حدود ۱۵ درصد جمعیت فعال بیکار بوده است.

۸- روزنامه جام جم، ۲۰ دسامبر